



## آیا دختر بدون رضایت پدر می‌تواند ازدواج کند؟

نکاح دختری که تاکنون ازدواج نکرده است، منوط به اذن پدر یا جد پدری است و دفاتر اسناد رسمی، مجاز به ثبت ازدواج دختر باکره بدون رضایت پدر نیستند. اما اگر پدر راضی به ازدواج دختر نشد، راه حل چیست؟

نکاح دختری که تاکنون ازدواج نکرده است، منوط به اذن پدر یا جد پدری است و دفاتر اسناد رسمی، مجاز به ثبت ازدواج دختر باکره بدون رضایت پدر نیستند. اما اگر پدر راضی به ازدواج دختر نشد، راه حل چیست؟

به گزارش سلامت نیوز به نقل از آنا شاهرخ صالحی کهرودی؛ در ماده 1043 قانون مدنی آمده است: «نکاح دختری که هنوز شوهر نکرده اگرچه به سن بلوغ رسیده باشد، موقوف به اجازه پدر یا جد پدری او است.»

این حکم که دارای ریشه شرعی و فقهی است، بر اساس روایاتی از امام جعفر صادق (ع) مورد تأکید فقها قرار گرفته و فقهای معاصر، در استفتائاتی که از آنها صورت گرفته، ازدواج دختر باکره را منوط به اجازه پدر دانسته‌اند و برخی از مراجع تقلید آنرا «احتیاط واجب» دانسته و برخی دیگر نیز ازدواج دختر بدون اذن پدر را باطل دانسته‌اند.

از نظر اجتماعی، به نظر می‌رسد، علت تشریح چنین حکمی، در وهله اول حفظ احترام پدر و جد پدری و در وهله دوم، رویکرد حمایتی از دختران به خصوص در سنین ازدواج است. دختران به واسطه روحیات و خلق و خویی که در سنین پایین‌تر دارند، ممکن است در تصمیمات خود دچار اشتباه احساسی و عاطفی شده و از این منظر، بیشتر از پسران در معرض آسیب قرار گیرند. از همین رو، شارع مقدس، نکاح دختر باکره‌ای که قبلاً شوهر نکرده و برای بار اول قصد ازدواج دارد را منوط به اجازه پدر یا جد پدری کرده است تا از آسیب‌های احتمالی کاسته و اجازه ندهد که یک تصمیم احساسی به اشتباه در زندگی ختم شود. اگرچه برخی مراجع فعلی تقلید و برخی فقهای مقدم، نکاح «دختر رشیده» که به سن بالا رسیده و به اصطلاح متوجه خوب و بد روزگار می‌شوند، نیاز به اذن پدر یا جد پدری در نکاح ندارد؛ اما مشهور فقها، اجازه پدر را در نکاح دختری که ازدواج نکرده، اعم از اینکه رشیده یا غیررشیده باشد، لازم و واجب دانسته‌اند.

نکته قابل توجه در این حکم این است که به «جز پدر یا جد پدری، هیچ‌کس دیگری حق اجازه برای ازدواج دختر باکره را ندارد و چنانچه پدر یا جد پدری در قید حیات نباشند، این حق به برادر، مادر، عمو یا سایر بستگان منتقل نشده و این حق منحصر به پدر و جد پدری است.»

### مخالفت بی‌دلیل پدر با نکاح دختر

حالا اگر پدری بدون دلیل با ازدواج دخترش مخالفت کند و از این طریق، از حق پدری خود سوءاستفاده کند، قانون‌گذار تکلیف مشخصی را تعیین کرده است. در ادامه ماده 1043 قانون مدنی در این خصوص آمده است: «هرگاه پدر یا جد پدری بدون علت موجه از دادن اجازه مضایقه کند، اجازه او ساقط و در این صورت دختر می‌تواند با معرفی کامل مردی که می‌خواهد با او ازدواج نماید و شرایط نکاح و مهری که بین آنها قرار داده شده، پس از اخذ اجازه از دادگاه مدنی خاص (خانواده) به دفتر ازدواج مراجعه و نسبت به ثبت ازدواج اقدام نماید.»

در خصوص این مقرره قانونی، ذکر این نکته ضروری است که اگر پدر بدون دلیل با ازدواج دخترش مخالفت کند، اجازه وی برای نکاح ساقط می‌شود اما مرجع قانونی برای اینکه تشخیص دهد آیا مخالفت پدر قانونی بوده یا غیرقانونی، دادگاه خانواده است. بنابراین، دختری که می‌خواهد با مردی ازدواج کند، در صورت مخالفت پدر، باید یک دادخواست حقوقی مبنی بر «صدور تجویز نکاح» به دادگاه خانواده محل زندگی خود ارائه دهد و در دادخواست ارائه شده، به معرفی مردی که می‌خواهد با آن ازدواج کند، بپردازد. دادگاه خانواده، با احضار پدر این دختر، از وی علت مخالفت را جویا شده و در صورتی که مخالفت پدر را موجه تشخیص دهد، دادخواست دختر را رد می‌کند اما اگر مخالفت پدر، دلیل موجهی نداشته باشد، در این صورت، با صدور حکمی، اجازه ثبت ازدواج دختر را صادر کرده و دختر می‌تواند با اجازه دادگاه، به دفتر رسمی ازدواج مراجعه کرده و اقدام به ثبت نکاح کند.

همچنین در جایی که پدر یا جد پدری به علت سفر، حضور در جنگ، اسارت یا عوامل دیگر، امکان حضور و اجازه برای نکاح

دختر را نداشته باشند، بازهم دختر می‌تواند با مراجعه به دادگاه خانواده، و ارائه دادخواست و ذکر این نکته که علت غیبت پدرش چیست، از دادگاه اجازه ازدواج بگیرد.

#### اجازه پدر در نکاح دختر غیرباکره

چنانچه دختری سابقه ازدواج داشته باشد و همسر قبلی خود را به واسطه فوت یا طلاق از دست داده باشد، برای نکاح مجدد نیازی به رضایت پدر و حضور آن ندارد؛ اجازه پدر یا جد پدری، تنها در ازدواج اول موثر بوده و در ازدواج‌های بعدی، چنین اجازه‌ای نیاز نیست.

البته، اگر دختری به واسطه روابط خارج از ازدواج، باکره‌گی خود را از دست داده باشد، باز هم اجازه پدر ساقط است. بر اساس رای وحدت رویه شماره 126- هـ 1363.2.31 ردیف 62.62 هیأت عمومی دیوان عالی کشور، «مطلق دخول مسقط ولایت پدر است»؛ البته اثبات چنین امری، نیاز به گواهی پزشکی قانونی و تأیید دادگاه دارد و صرف ادعای فرد، برای دفتر رسمی ازدواج قابل پذیرش نیست.

همچنین اگر به دلیل بیماری، عملیات ورزشی یا دلیل مشابه دیگری، دختر باکره‌گی خود را از دست بدهد، بازهم برای ازدواج، اجازه پدر لازم است و چنین امری موجب سقوط ولایت و اجازه پدر نخواهد شد.